

بسم الله الرحمن الرحيم

لوسین لوی - برول و مسئله ذهنیت‌ها



دفتر پژوهش‌های فرهنگی



دفتر پژوهشهای فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه، شماره: ۲۲۹
کدپستی: ۱۵۸۴۷۳۶۹۱۳ صندوق پستی: ۴۶۹۱ - ۱۵۸۷۵
تلفن: ۸۸۲۱۳۶۴، ۸۸۳۰۲۴۸۲، ۸۸۳۱۵۲۲۷
دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵ پست الکترونیک: crb@iranculturestudies.com
تلفن واحد بازاریابی: ۸۸۳۱۵۲۴۰ فروش الکترونیک: www.iranculturestudies.com
www.lahzeh_ketab.com

- تلفن های پخش مرکزی: ۸۸۸۴۹۴۶۱-۲، ۸۸۸۴۹۴۶۷، ۰۹۱۲-۲۱۷۷۶۴۷
- مراکز اصلی پخش و فروش:
- فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه
شماره: ۲۲۹؛ تلفن: ۸۸۸۴۹۴۶۱
- پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری،
شماره: ۲۵۵؛ تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶
- سراج گشتگو، خانه هنرمندان ایران: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، باغ هنر
تلفن: ۸۸۳۱۳۲۶۹، دورنگار: ۸۸۳۱۳۰۸۹

* لوسین لوی - برول و مسئله ذهنیتها

* یدالله موقن

● طراح جلد: امین نصر ● صفحه آرا: ریحانه تمیمی ● نمونه خوان: فرناز خسروی
● لیتوگرافی: داناگراف ● چاپ: نوین ● شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه ● چاپ اول ۱۳۸۹
● قیمت: ۴۴۰۰ تومان
همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون
اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

ISBN: 978-964-379-173-5

شابک: ۹۷۸۹۶۴۳۷۹۰۱۷۳۵

موقن، یدالله، ۱۳۲۷ -

لوسین لوی - برول و مسئله ذهنیتها / یدالله موقن. - تهران: دفتر
پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۵۲ ص. - (جهان اندیشه: ۴)

ISBN: 978-964-379-173-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. لوی - برول، لوسین، ۱۹۳۹-۱۸۵۷ م. ۲. فیلسوفان - سرگذشتنامه.
الف. عنوان.

۱۹۴

B ۲۴۳۰ / J ۹۴ م ۸ ۱۳۸۹

۱۷۸۳۹۱۱

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۲۱	زندگی نامه علمی لوسین لوی - برول
۳۵	آثار فلسفی لوسین لوی - برول
۳۵	۱. از فلسفه به جامعه‌شناسی
۴۰	۲. نظریه ذهنیت ابتدایی
۶۰	۳. ذهنیت ابتدایی و سلطه احساسات و عواطف
۷۷	۴. دفترچه‌های یادداشت لوی - برول
	که پس از مرگش به چاپ رسیده‌اند
۸۹	پیشگامان و پیروان لوسین لوی - برول
۱۲۵	فهرست آثار لوسین لوی - برول
۱۴۹	آثاری درباره لوسین لوی - برول

پیشگفتار

از زمانی که نگارنده در مجله نگاه نو شماره ۱۲ (تهران: بهمن - اسفند ۱۳۷۱) مقاله‌ای نوشت با عنوان: «نظریه لوی - برول درباره ساخت ذهن اقوام ابتدایی»^۱ نزدیک به پانزده سال می‌گذرد. طی این مدت موضوع تفاوت ذهنیت‌ها فکر نگارنده را به خود مشغول داشته که حاصل آن عبارت بوده است از ترجمه مهم‌ترین کتاب لوسین لوی - برول: کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده^۲ و

۱. در پی آن، مقاله: «آیا به‌راستی نظریه لوی - برول ابطال شده است؟» در مجله نگاه نو شماره ۱۹ (تهران: فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۳) به چاپ رسید. نگارنده در ادامه همین موضوع، مقاله دیگری نوشت با عنوان: «آیا انتقاد از نظریه‌های علمی به معنای ابطال آنهاست؟» دو مقاله نخست به همراه مقاله اخیر در کتاب یدالله موقن: زیان، اندیشه، فرهنگ (تهران: هرمس، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳-۳۰۲) به چاپ رسیده‌اند. بعضی مطالب را که در سه مقاله مذکور گفته‌ام در کتاب حاضر تکرار نکرده‌ام. بنابراین علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب یاد شده رجوع کنند.

۲. لوسین لوی - برول: کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده (تهران: هرمس، زیر چاپ). نگارنده مقدمه مفصلی بر ترجمه خود نگاشته که هم به فهم مطالب آن کتاب و هم به فهم مطالب این کتاب کمک می‌کند. خواندن کتاب کارکردهای ذهنی ←

نگارش همین کتاب. برای نوشتن این کتاب از آثار بسیاری از انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و فیلسوفان بهره گرفته‌ام؛ اما برای نوشتن فصل‌های یکم و دوم بیش از همه از ترجمه انگلیسی کتاب ژان کازونوو به مشخصات زیر:

Jean Cazenueve, *Lucien Lévy - Bruhl* (translated by Peter Rivière), Oxford, Basil Blackwell, 1972.

سود برده‌ام. خواننده سخت‌گیر باید این نکته را در نظر داشته باشد که لوی - برول و مسئله ذهنیت‌ها کتاب کوچکی است که فقط به شرح و معرفی اجمالی اندیشه‌های لوی - برول می‌پردازد، از این‌رو برای اظهار هر مطلبی به کتاب خاصی از لوی - برول استناد نشده، بلکه در این‌جا فقط خلاصه مطالب کتاب‌های لوی - برول، و بعضی اظهارنظرهایی که درباره آنها شده ارائه گردیده است. نگارنده پس از اتمام نگارش این کتاب با رساله دکتری فردریک یکک و سه مقاله پربار او که در اینترنت قرار گرفته‌اند آشنا شد. چنانچه این رساله دکتری - که جامع‌ترین کتابی است که تاکنون درباره اندیشه لوی - برول و جایگاه او در مرز میان فلسفه و انسان‌شناسی نوشته شده است - پیش از نگارش این کتاب توجه نگارنده را جلب کرده بود، مسلماً این کتاب را به گونه‌ای دیگر تألیف می‌کرد. مشخصات آثار فردریک یکک:

→ در جوامع عقب مانده، و کتاب‌های ارنست کاسیرر: فلسفه صورت‌های سمبلیک، اندیشه اسطوره‌ای (تهران: هرمس، ۱۳۷۸)، اسطوره دولت ترجمه یدالله موقن (تهران: هرمس، چاپ اول ۱۳۷۷، چاپ دوم ۱۳۸۳) و همین کتاب: لوسین لوی - برول و مسئله ذهنیت‌ها به فهم مطالب همدیگر کمک بسیار می‌کنند.

Frédéric Keck: *Le Problème de la mentalité primitive, Lévy-Bruhl, entre philosophie et anthropologie*

این رساله دکتری بالغ بر ۷۰۰ صفحه است (18/12/2003).

Frédéric Keck: "Le Primitive, le mystique chez Lévy - Bruhl, Bergson, Bataille" 2003.

Frédéric Keck: 'Les Bororo sont des Araras' Essai d'analyse d'un cets de "Logique Primitive" (5/5/2004).

Frédéric Keck: "L'anthropologie des risques, entre modernité et pre-modernité (quelques remarques sur Lévy - Bruhl) (25/1/2006).

Keck.soler@wanadoo.fr

نشانی اینترنتی کک:

یدالله موقن

مقدمه

مسئله ذهنیت‌ها و شیوه بررسی آنها

آیا اقوام گوناگون، به رغم تفاوت‌های جسمانی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و نژادی، از لحاظ ذهنیت مشابه یکدیگرند؟ اگر پاسخ مثبت است پس چرا فرهنگ‌های اقوام این همه با هم متفاوتند؟ آیا نباید تفاوت‌های فرهنگی را پی‌آمد تفاوت در ذهنیت‌ها دانست؟ آیا به‌راستی می‌توانیم فرهنگ‌هایی را درک کنیم که با فرهنگ خودمان بسیار متفاوتند؟ آیا درک درستی دست کم از فرهنگ خودمان داریم؟ هدف این کتاب بررسی نظریات لوسین لوی - برول است و موضوع این بررسی یک پرسش اساسی است: آیا تفاوتی اساسی در شیوه تفکر (چه در محتوا چه در منطق و شیوه طرح موضوع‌ها) میان جوامع غربی و جوامع غیرغربی وجود دارد؟ آیا میان جوامع «ستنی» با «مدرن»، «پیش - علمی» با «دارای سمت‌گیری علمی»،

۱. در این کتاب منظور از سمت‌گیری ذهنی این است که مثلاً وقتی انسان ابتدایی در جستجوی علت رویدادی بر می‌آید، این علت برایش همیشه یک شخص است. این شخص ممکن است یکی از ایزدان یا اهریمنان یا جادوگران باشد. ولی برای ←

«باسواد» یا «بی‌سواد»، «صنعتی» یا «غیرصنعتی»، «توسعه‌یافته» یا «در حال توسعه»، از لحاظ ساختار اندیشه فرق اساسی وجود دارد؟ شاید هم میان شیوه تفکر حاکم بر این جوامع فرق چندان مهمی وجود نداشته باشد؟ شاید اصلاً طرح چنین پرسشی نامعقول باشد و شاید این پرسش، پرسش واحدی نباشد؟ اما طرح چنین پرسشی ناشی از علایق باستان‌شناختی یا شناختن اقوام بیگانه نیست بلکه از دیدگاه بعضی متفکران غربی این پرسش برای تعریف شیوه تفکر غربی و تعیین جایگاه آن ضروری است. بررسی این پرسش باید با توجه به زمینه تاریخی و جغرافیایی‌اش صورت گیرد.

در نخستین نگاه، کسانی که آشکارا پرسش تفاوت میان شیوه تفکر در جوامع غربی با غیرغربی را بررسی کرده‌اند انسان‌شناسان اجتماعی بوده‌اند که به خاطر علایق گسترده‌شان به جوامعی که به دوره‌های مختلف تاریخی و جامعه‌شناختی و به نواحی گوناگون جغرافیایی متعلق بوده‌اند، این پرسش برایشان طرح شده است. اما این پرسش مورد توجه فیلسوفان، روان‌شناسان، نظریه پردازان اجتماعی، مورخان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و بسیاری از فرهیختگان نیز قرار گرفته است، زیرا اینان نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم به همان اندازه انسان‌شناسان اجتماعی با این پرسش سروکار پیدا کرده‌اند. پس مسئله اساسی این است که آیا میان شیوه تفکر جوامع «سنتی» با جوامع «مدرن» تفاوتی بنیادی وجود دارد؟ این مسئله ضرورتاً نوعی تقابل را می‌رساند. این تقابل دربرگیرنده مفهوم «شیوه‌های اندیشه»

است و به این معنی است که پرسش به صورت کلی تر درخور بررسی است. اما نخست باید دید که چه چیزی را با چه چیزی مقایسه و مقابله می‌کنیم؟ چه جامعه‌ای را با چه نوع جامعه‌ای مقابله و مقایسه می‌کنیم؟ چه منطقه‌ای را با چه منطقه‌ای یا کدام دوره را با کدام دوره؟ این مقابله و مقایسه براساس شواهد تجربی است یا بر پایه روش دیگری؟

در بررسی این مباحث، یکی از نکات جالب توجه تکثر دیدگاه‌های پژوهشگران است. بسیاری از پژوهشگران از تقابل جوامع «مدرن» و «علمی» با جوامع «سنتی» (یا «ابتدایی») و «پیش - علمی» سخن می‌گویند. در این نوع مقابله، لااقل در آغاز، مقولات تا حدودی روشن و واضح‌اند. شاید مهم‌ترین تمایزهایی که در این مبحث مورد نظرند اینها باشند: عقلانیت (که گاهی اوقات با روش علمی برابر دانسته می‌شود) در تقابل با غیرعقلانیت؛ یافته‌های علم (که معمولاً با «علم غربی» یکی انگاشته می‌شوند و گاهی اوقات به منزله یافته‌های «درست» تعریف می‌شوند) در مقابل باورهای سنتی و غیرعلمی یا برداشت‌های غلط؛ باز بودن سیستم‌های فکری در مقابل بسته بودن اندیشه‌ها؛ و سکولاریسم (که گاهی اوقات با روش علمی یا یافته‌های علمی برابر دانسته می‌شود) در مقابل دینی بودن یا اعتقاد به جادو. رفتار دینی (یا جادو یا ورانه) را نیز می‌توان برای تمایز شیوه‌های اندیشه به کار برد، زیرا رفتار دینی (یا جادو یا ورانه) جایگاه ویژه خود را دارد و الگوی خاصی برای اندیشه - عمل ارائه می‌دهد و می‌توان «منطق» آن را تحلیل کرد. «دینی بودن» گاهی اوقات شامل بسیاری چیزها می‌شود، مثلاً: تأکید بر دین، بر جادو و بر بینش «افسون‌بخش» به زندگی یا حتی علاقه به بیان شاعرانه و شیوه‌های

بیان سمبلیک. اصطلاحات مقابل «دینی بودن» را می‌توان چنین برشمرد: «عقلانیت»، «علم» و گاهی اوقات بینش مکانیکی از جهان، ترویج و گسترش ارزش‌های سکولار که خصلت زندگی «مدرن» است در تقابل با تسری دین به همه امور و شئون زندگی که مشخصه جامعه ابتدایی است.

شاید مناسب‌ترین معیار برای تمایز شیوه‌های اندیشه، تقسیم کار اجتماعی باشد، یعنی تقابل میان تقسیم کار در سطح عالی و پیشرفته با تقسیم کار در سطح پایین و ابتدایی. تقابل دیگر را می‌توان در این دانست: سلطه سنت (که شامل آموخته‌های سطح پایین و ابتدایی است) در مقابل خلاقیت فردی و بیانی که خصوصیت فردی و بی‌همتا داشته باشد.

در میان این معیارها، معیار «عقلانیت» (که اغلب با «علمی بودن» یکی گرفته می‌شود) شاید مهم‌ترین معیار باشد. «عقلانیت» گاهی اوقات در مقابل جادو یا شیوه‌های تفکری قرار می‌گیرد که به طور غیر تجربی پذیرفته شده‌اند و گاهی اوقات نیز در مقابل تبیین‌های غلط یا در مقابل بینش شخصی معنادار از جهان قرار داده می‌شود. گاهی اوقات گفته می‌شود که شیوه اندیشه حاکم بر جامعه مدرن غربی، تفکر علمی است. اما این سخن به چه معناست؟ شاید «تفکر علمی» به معنای پذیرش شواهد تجربی باشد یا در معنای محدودتر، تفکر علمی را کوششی در جهت کشف قوانین حاکم بر طبیعت بدانیم؛ و چنانچه باز هم معنایش را محدودتر کنیم «تفکر علمی» را کوششی در جهت کشف آن دسته از قوانین طبیعی بدانیم که با به کارگیری آنها بتوانیم از طبیعت بهره‌وری کنیم. پس چه چیزی ما را بر آن می‌دارد که

بگوییم یک جامعه، علمی می‌اندیشد؟ آیا این سخن به این معناست که باید تفکر علمی در آن‌جا باشد؟ یا بدین معناست که این جامعه امور و معضلات خود را با روش‌های علمی حل و فصل می‌کند؟ یا این که اعضایش مایلند برای باورهای خود اساس علمی قائل شوند؟ به رغم طرح شدن چنین پرسش‌هایی تمایل عمومی بر این است که «عقلانیت» یا «علم» را معیاری واضح یا لاقابل معیاری بشناسیم که برای تمایز شیوه‌های اندیشه اهمیت دارد. نکته مهمی که باید در این‌جا در نظر گرفت پی‌آمد گزینش چنین معیاری است؛ چون گاهی اوقات به نظر می‌رسد که اگر عقلانیت معیار مناسبی است، بدین دلیل است که این معیار، حرکت در جهت پیشرفت را نشان می‌دهد و گاهی اوقات نیز می‌توان این معیار را با در نظر گرفتن قدرت عظیم تبیینی علم مدرن توجیه کرد.

لوسین لوی - برول شاید نخستین کسی بود که ذهنیت اقوام ابتدایی را بر پایه پژوهش‌های انسان‌شناختی بررسی کرد و کوشید تا خصوصیات بارز این ذهنیت را بشناسد و تفاوتش را با ذهنیت منطقی - علمی دریابد. گرچه شاید بهتر باشد بگوییم که لوی - برول نخستین کسی بود که برای ذهن انسان دو نوع ساختار قائل شد: ساختار عرفانی و ساختار منطقی یا در قالب اصطلاحات کاسیرر ذهنیت اسطوره‌ای و ذهنیت علمی^۱. به این معنی که لوی - برول و کاسیرر عقلانیت غربی یا علم غربی را معیار تمایز شیوه‌های اندیشه یا ساختارهای ذهنیت قرار دادند.

۱. ارنست کاسیرر، فلسفه صورت‌های سمبلیک: اندیشه اسطوره‌ای، ترجمه بدالله موقن (تهران: هرمس، ۱۳۷۸).

این دو میان ذهنیت منطقی - علمی با ذهنیت عرفانی و پیش - منطقی (یا طبق اصطلاحات کاسیرر میان ذهنیت علمی و ذهنیت اسطوره‌ای) گسستگی قائلند. به ویژه لوی - بروول ذهنیت عرفانی و پیش - منطقی را تأثیرپذیر از تجربه نمی‌داند و از این‌رو معتقد نیست که ذهنیت عرفانی بر اثر تکامل الزاماً به ذهنیت علمی می‌انجامد. اما بعضی از انسان‌شناسان به دو نوع ذهنیت اعتقاد ندارند. مثلاً کلود لوی - استرُس^۱، انسان‌شناس مشهور فرانسوی، ذهن انسان را ایستا می‌داند یعنی اعتقاد دارد که ذهن بشر از همان آغاز به مجموعه‌ای از ساختارهای فطری مجهز است. این ساختارها (برخلاف نظر پیاژه) به شیوه‌ای تکوینی از طریق واکنش به محیط تحول نمی‌یابند، بلکه نهایت کاری که ذهن در اثر واکنش به محیط احتمالاً انجام می‌دهد این است که از میان این ساختارها بعضی از آنها را بر برخی دیگر ترجیح دهد و برگزیند. از این‌رو در بعضی فرهنگ‌ها برخی از این ساختارها، شکل تخصصی تری یافته‌اند تا در دیگر فرهنگ‌ها. این ساختارها خود را بر بازنمایی واقعیت و نیز بر شکل نهادها و مؤسسه‌های اجتماعی تحمیل می‌کنند. این نظریه را نظریه ذهن فطری گویند. نظریه دیگر، نظریه تجربه‌گرایان درباره ذهن انسان است که براساس آن، شناخت بازتولید انفعالی تأثرات حسی و به خاطر آوردن آنهاست؛ و این تأثرات حسی را مکانیسم‌های تداعی یا انگیزش‌های پاسخی، هماهنگ می‌کنند؛ و اعتقادات و به ویژه مقولات طبقه‌بندی‌کننده، در زبان هر فرهنگی به شکل کپسول وجود

دارند و استدلال کردن، کارکردی فطری است که در همه افراد بالغ، و در همه جا و همه وقت، مشابه است. مدل تجربه گرا از ذهن و مدل ذهن فطری، هر دو مدل‌های ایستایی هستند که اعتقاد ندارند ساختارهای ذهنی در فرایندهای واکنش به محیط، و به ویژه بر اثر فعالیت انسان - انسانی که دارای خرد، اراده، شهامت و آگاهی است - شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند.

انسان‌شناسانی که نظریه ذهن فطری یا ذهن تجربه گرا را پذیرفته‌اند تصور می‌کنند که اندیشه انسان ابتدایی و اندیشه دانشمند غربی فقط از لحاظ محتوا با هم تفاوت دارند. چون به اعتقاد آنان، ساختار واقعی اندیشه و فرایندهای شناخت در همه فرهنگ‌ها یکی است و فرایندهای استدلال کردن و اندیشیدن اقوام مختلف در فرهنگ‌های گوناگون تفاوتی با یکدیگر ندارند. یعنی این دسته از انسان‌شناسان با مسئله «اندیشه ابتدایی» به گونه‌ای برخورد کرده‌اند و می‌کنند که گویی این مسئله به سرشت «ابتدایی بودن» این انسان‌ها باز می‌گردد.

برعکس، باید گفت که مسئله «اندیشه ابتدایی» در سرشت خود اندیشه جای دارد و رشد اندیشه در ارتباط با تجربه و از طریق فعالیت سوژه (انسان بخرد و دارای اراده و آگاهی) صورت می‌گیرد. خصوصیات عمومی آموختن و اندیشیدن در میان افراد، قطعاً به انواع بازنمایی‌های جمعی محیط آنان بستگی دارند. این بازنمایی‌ها در هر جامعه‌ای به صورت تشکیل یافته وجود دارند و خود را بر تک تک اعضای جامعه تحمیل می‌کنند. فقط هنگامی که فهمیدیم چگونه اندیشیدن و آموختن در رابطه با کلیت محیط اجتماعی تحول می‌یابند

آن وقت می‌توانیم امیدوار باشیم که تمایزهای شیوه‌های اندیشه جوامع ابتدایی و جوامع پیشرفته صنعتی را به دقت تشخیص دهیم. فقط در جایی که سوژه دکارتی وجود داشته باشد، یعنی انسانی که بتواند شک کند و دارای اراده و شهامت فکری و آگاهی و فهم باشد، می‌توان از اندیشیدن به معنای واقعی آن سخن گفت. اما در جایی که هرگونه ناهمنوایی با محیط و اجتماع سرکوب شود و کسی را پروای شک کردن نباشد و شهامت برای فهمیدن وجود نداشته باشد و اراده برای غلبه بر جهل موجود نباشد، در آن‌جا اندیشه‌ای نیست، چون فردیت یا سوژه دکارتی شکل نگرفته است. در چنان جامعه‌ای از خلاقیت‌های فردی اثری مشهود نیست و وظیفه هرکس فقط تقلید از گذشته مقدس و بازتولید آن است. باید گذشته را پرستید. در حقیقت لوی - برول چنین جوامعی را مطالعه و ذهنیت حاکم بر آنها را توصیف کرده است.